

پرسش ۸۵۱: تناقض بین دوازده مهدی در وصیت و نامیدن امام علی (ع) به اسم مهدی

السؤال / ۸۵۱: السلام عليكم

سلام عليكم

مر في الوصية عن رسول الله محمد صلى الله عليه وآله لعلي (عليه السلام) ان اسم المهدي خاص به ولا يجوز لغيره وبعدها تذكر الوصية ١٢ مهديا بعد الأمام الثاني عشر اليس في هذا تناقض واضح ينفي وجود هكذا وصية.

جبار آل محمود - القادسية

در وصیت رسول خدا حضرت محمد (ص) به علی (ع) آمده است که نام مهدی، به ایشان اختصاص دارد و برای غیر ایشان جایز نیست و پس از آن، وصیت، دوازده مهدی را پس از امام دوازدهم ذکر می کند. آیا در این مسئله تناقض روشنی نیست که وجود داشتن این وصیت را نفی می کند؟

جبار آل محمود - قادسیه

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

و عليكم السلام ورحمة الله وبركاته... ليس هناك تناقض فضلاً على أن تصفه بالواضح، لأنه؛ أولاً: نصت الوصية على أن الأسماء الستة - التي من ضمنها اسم المهدي - هي أسماء علي (عليه السلام) في السماء وفرق بين الأسماء السماوية والأسماء الأرضية.

و عليكم السلام ورحمت الله وبركاته... تناقض وجود ندارد؛ چه برسد به این که آن را به روشن و واضح بودن توصیف کنی؛ چرا که اولاً: وصیت تصریح می کند که نامهای شش گانه که مهدی از جمله ی آنها است، نامهای علی (ع) در آسمان است و بین نامهای آسمانی و نامهای زمینی تفاوت وجود دارد.

وثانياً: نصت الوصية على أن هذه الأسماء لا تصح لأحد غير الإمام علي (عليه السلام) (فلا تصح هذه الأسماء لأحد غيرك) أي لا تجتمع هذه الأسماء في أحد غير أمير المؤمنين (عليه السلام)، فلو أراد عدم صحة أي فرد من هذه الأسماء لغير أمير المؤمنين (عليه السلام) لقال مثلاً: (فلا يصح اسم منها لغيرك)، وعلى هذا يجوز أن يتسمى غير أمير المؤمنين بأحد هذه الأسماء الستة وليس بجمعها، إلا ما نص الدليل على عدم التسمي به كاسم (أمير المؤمنين).

ثانياً: وصیت تصریح می کند که این نامها برای کسی جز امام علی (ع) شایسته نیست: «این نامها برای احدی جز تو شایسته نیست»؛ یعنی: این نامها در کسی جز امیرالمؤمنین جمع نمی شود. اگر منظور ایشان این بود که هیچ یک از این نامها به تنهایی برای کسی جز امیرالمؤمنین (ع) شایسته نیست، به عنوان مثال می فرمود: «هیچ نامی از آنها برای غیر تو شایسته نیست». بنابراین کسانی جز امیرالمؤمنین می توانند با یکی از این نامهای شش گانه نامیده شود و نه با همه ی آنها؛ مگر اسمی که متن تصریح کند که نمی تواند برای غیر او باشد؛ مثل اسم «امیر المؤمنین».

وثالثاً: قد يكون قصد الرسول (صلى الله عليه وآله) سلب الشرعية عن من يتسمى بأسماء امير المؤمنين وسلب حقه الذي أعطاه الله تعالى له، اي ان الكلام ناظر إلى اثبات حق أمير المؤمنين (عليه السلام) قبال الذين غصبوا هذا الحق بدون دليل او برهان، وتسموا بلقب أمير المؤمنين ونصبوا أنفسهم هداة للناس يفرقون بين الحق والباطل، وبهذا يكون الأئمة من أهل البيت (عليهم السلام) غير داخلين في المنع من التسمية بأحد هذه الاسماء اللهم إلا ما نص الدليل على اختصاصه بعلي بن ابي طالب (عليه السلام).

ثالثاً: چه بسا منظور رسول خدا (ص) سلب شرعیت دادن از کسانی است که به نام‌های امیرالمؤمنین خوانده می‌شوند و حتی را که خداوند متعال به ایشان داده است، از او غصب می‌کنند؛ به عبارت دیگر این سخن ناظر به اثبات حق امیر المؤمنین (ع) در برابر کسانی است که این حق را بدون دلیل یا برهانی غصب کرده و با لقب امیرالمؤمنین نامیده شده و خودشان را هدایت‌کنندگانی برای مردم قرار داده‌اند که حق را از باطل جدا می‌کنند. به این ترتیب امامان از اهل بیت (ع) در نامیده نشدن به یکی از این نام‌ها وارد نمی‌شوند، مگر آن اسمی که متن بر اختصاص داشتش برای علی بن ابی طالب (ع) تصریح کند.

فهذه ثلاثة وجوه أو ردود سجلتها لك على وجه السرعة، وأقل ما يقال فيها إنها محتملة أو راجحة، ولا يخفى أن الذي يريد أن ينقض أو يشكك على نص شرعي أو دليل، لا بد أن يكون اشكاله أو نقضه محكماً، لأن ثبوت الاشكال أو النقض فرع احكامه، فما دام غير محكم وهناك وجوه أو احتمالات ضده لا يكون اشكالاً أو نقضاً.

این سه وجه یا پاسخی بود که به سرعت برایت نگاشتم و حداقل چیزی که در مورد آن می‌توان گفت این است که محتمل یا راجح است. پوشیده نیست کسی که می‌خواهد متن شرعی یا دلیل را نقض کند یا بر آن اشکال بگیرد، باید اشکال یا نقض او محکم

باشد؛ چرا که ثبوت اشکال یا نقض، فرع محکم بودن آن است. مادام که محکم نباشد و وجوه یا احتمالاتی علیه آن وجود داشته باشد، اشکال یا نقضی محسوب نمی‌گردد.

فبأي دليل أيها الأخ قررت الطعن بوصية رسول الله (صلى الله عليه وآله) وهي وصية يشهد لها القرآن وروايات الطاهرين (عليهم السلام)!!!؟

پس ای برادر! با چه دلیلی به وصیت رسول خدا (ص) طعنه می‌زنی، در حالی که این وصیتی است که قرآن و روایات معصومین (ع) برایش گواهی می‌دهند؟!؟!!

وإذا كنت طالباً للحق فأرشدك إلى قراءة كتابين عن الوصية لأنصار الإمام المهدي (عليه السلام) موجودين في موقع الأنصار قسم المكتبة اليمانية وعنوان الموقع هو:

[/http://vb.al-mehdyoon.org](http://vb.al-mehdyoon.org)

اگر طالب حق هستی، شما را به خواندن دو کتاب از انصار امام مهدی (ع) که در سایت انصار و بخش کتابخانه‌ی یمانی موجود است، راهنمایی می‌کنم. آدرس سایت:

[/http://vb.al-mehdyoon.org](http://vb.al-mehdyoon.org)

والكتابان هما؛ دفاعا عن الوصية، والآخر هو؛ الوصية والوصي أحمد الحسن (عليه السلام).

والحمد لله وحده وحده وحده.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)
شعبان الخیر/1432 هـ ق

این دو کتاب عبارتند از: «دفاعی از وصیت» و دیگری: «وصیت و وصی
احمدالحسن (ع)».

و الحمد لله وحده وحده وحده.

هیئت علمی انصار امام مهدی (خداوند در زمین تمکینش دهد)

شعبان الخیر/1432 هـ ق

